

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

### استراتژی پایداری در برابر جنگ نرم، با تکیه بر نهج البلاغه\* (علمی- پژوهشی)

دکتر حسن مجیدی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری  
ام البنین قزلسفلو

کارشناس ارشد دانشگاه حکیم سبزواری

#### چکیده

یکی از موضوعات اصلی ادبیات پایداری، مقاومت در برابر جنگ نرم است؛ جنگی که در آن، طرفین مبارزه در تلاشند تا افکار و روان طرف مقابل را تحت تاثیر خود قرار داده و بدون فشار نظامی آنان را با خود همسو سازند؛ این نبرد اگر چه امروزه با عباراتی نظیر «جنگ نرم»، «جنگ روانی»، «جنگ سایبری» نمود بیشتری یافته است اما قدمتی به درازای تاریخ خلقت بشر داشته و تاریخ اسلام، به ویژه دوران پرفراز و نشیب خلافت مولای متقیان، علی علیه السلام را تحت تاثیر قرار داده است. این پژوهش با تکیه بر کتاب گرانقدر نهج البلاغه، أخ القرآن، به بررسی دوران پرافتخار امیرالمومنین، علیه السلام می پردازد. این اثر فاخر اگر چه اثری صرفاً ادبی نبوده و فراتر از آن است اما در قالب ادبیاتی بی نظیر، رویدادهای گوناگون از جمله استراتژی پایداری آن امام همام در برابر جنگ نرم از جمله روشن گری، دعوت به اتحاد و برادری، افشای شخصیت‌ها، اطمینان بخشی، برگزاری مناظرات و ... را به تصویر کشیده و ترفندهای نرم سپاه باطل نظیر شایعه پراکنی، ایجاد تفرقه و اختلاف، ترور، تهدید و ... را بیان می دارد.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات مقاومت، جنگ نرم، نهج البلاغه، استراتژی پایداری در برابر جنگ نرم، خلافت علی علیه السلام.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۳/۵

Majidi.dr@gmail.com

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

## ۱- مقدمه

حکومت چهار سال و نه ماهه علی(ع)، همواره با جنگ‌های سخت افزاری و البته نرم افزاری دشمن روبرو بود؛ در طی همین چند سال اگر چه جنگ سخت و نظامی، خسارات فراوانی را در پی داشت اما باید گفت خسارات جنگ روانی آن نیز ویران کننده بود. دشمن با روی آوردن به جنگ نرم، فضای جامعه را چنان مسموم نمود که مردم در شناخت حق و باطل حیران ماندند؛ در تاثیر گذاری نقشه‌های شوم آنان، همین بس که وقتی مولای متقیان در محراب نماز، ندای «فزت و رب الكعبه» را سر داد و به دیدار محبوبش شتافت، عده‌ای گفتند مگر علی نماز هم می خوانده است؟! امروز نیز دشمن، با استفاده از مکانیزم‌های براندازی نرم، از جمله اختلاف افکنی، شبهه پراکنی و استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارها، به دنبال رسیدن به اهداف خویش و همراه کردن مسلمانان، با خود است؛ از این رو با توجه به این که عصر کنونی در بسیاری از موارد، به ویژه نوع مکانیزم‌های نرم دشمن علیه مسلمانان، به دوران خلافت مولای متقیان علی علیه السلام شباهت دارد، بر آن شدیم تا در قالب این پژوهش ضمن ارائه‌ی تعریف و بیان تاریخچه‌ی جنگ نرم، با تکیه بر کتاب ارزشمند نهج البلاغه و دیگر آثار تاریخی از جمله تاریخ طبری، وقعه‌ الصفین و...، بار دیگر تاریخ امام علی علیه السلام را ورق زده و با ترفندهای نرم دشمن و نیز راهکارهای پایداری سپاه حق در برابر آن، بیش از پیش آشنا شویم و به سوالاتی از این دست پاسخ گوئیم:

۱. جنگ نرم از چه زمانی آغاز شد؟

۲. دشمنان در صدر اسلام و در دوران زمامداری علی(ع) از چه روش‌هایی

استفاده می کردند؟

۳. اسلام و کتاب شریف نهج البلاغه، چه رهنمودهایی برای پیروزی یا مقابله

با ترفندهای نرم دشمنان دارند؟.

و نیز شایان ذکر است که این جستار، مبتنی بر روش توصیفی- تاریخی بوده

و به وصف اوضاع و شرایط جامعه در رویارویی با نبرد نرم و بیان رهنمودهای

پایداری در برابر آن می پردازد.

## ۲- بحث

### ۲-۱- جنگ نرم

#### ۲-۱-۱- تعریف جنگ نرم

جنگ نرم یا جنگ روانی (psychological warfare psy/war) یعنی تحت تاثیر قرار دادن افکار، عقاید و روح و روان افراد یک جامعه و همسو کردن آنان با عقاید مورد نظر خود، بدون استفاده از اسلحه و اعمال فشار و زور نظامی؛ «یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ، شایعه پراکنی؛ یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۴).

این نوع جنگ در علوم نظامی، با عباراتی چون جنگ روانی و عملیات روانی و در علوم سیاسی با اصطلاحاتی از جمله براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و در عصر حاضر با انقلاب رنگین مترادف است.

یکی از شیوه‌های قدرت نرم این است که «از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. قدرت نرم به جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسو می‌سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می‌ستاند» (رنجبران، ۱۳۸۸: ۲۷).

بنابراین می‌توان گفت که جنگ روانی «خطرناک‌ترین و مخرب‌ترین نوع جنگ‌هاست؛ زیرا اندیشه، بینش، عقل و در نهایت رفتار نیروهای درگیر و یا مخاطبان را مورد هدف قرار می‌دهد و در نهایت به سوی شکست و یا تسلیم سوق می‌دهد» (رضائی، ۱۳۸۷: ۴).

#### ۲-۱-۲- تاریخچه جنگ نرم

جنگ نرم سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد یعنی از همان ابتدای خلقت، هرگاه دو فرد با عقاید و باورهای متفاوت با یکدیگر روبه‌رو شدند، سعی در همراه کردن طرف مقابل خود داشتند؛ با نگاهی به قرآن کریم، درمی‌یابیم نخستین جنگ نرم را ابلیس علیه حضرت آدم(ع) به کار برد؛ او با استفاده از ترفند

دروغ و جذاب جلوه دادن درخت ممنوعه، حضرت آدم و حوا علیهما السلام را گمراه نمود و گفت:

«وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ»: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر این که (مبادا) فرشته شوید، یا جاودانه گردید» (اعراف: ۲۰).

این نوع جنگ، در تاریخ پرافتخار اسلام، از همان آغازین روزهای بعثت پیامبر اکرم (ص) نمود داشت از جمله در جنگ احد، دشمنان شایعه رحلت نبی مکرم (ص) را پخش کردند و با این ترفند، طعم شیرین پیروزی را به طعم تلخ شکست مبدل ساختند.

اما جدای از تاریخ اسلام، این جنگ، در تاریخ دیگر ملت‌ها نیز پدیدار بوده است «پُل لاین بارگر سابقه استفاده از جنگ روانی را به کیدئون با ماده‌ها نسبت می‌دهد. البته استفاده از اسب تروا توسط یونانیان برای تصرف تروا، یکی دیگر از مشهورترین نمونه‌های تاریخی این شیوه می‌باشد» (رضایی، ۱۳۸۷: ۷).

از رواج اصطلاحاتی نظیر جنگ نرم، جنگ روانی، عملیات روانی، تبلیغات مسموم و ... باید گفت: «نخستین کاربرد معروف اصطلاحات جنگ روانی، در سال ۱۹۲۰ بود. «جی اف سی فولر» مورخ و تحلیلگر نظامی انگلیس، نخستین کسی است که واژه جنگ روانی را به کار برد» (مرادی، ۱۳۸۹: ۵).

## ۲-۲- مکانیزم‌های براندازی نرم دشمن در زمان زمامداری امام علی (ع)

امام علی (ع) پس از ۲۵ سال غفلت و بی‌وفایی مردم زمانه‌اش، سرانجام در سال ۳۵ه.ق به خلافت رسید و در این حکومت حدوداً پنج ساله، با خطرناک‌ترین دشمنان از جمله ناکثین، مارقین و قاسطین روبه‌رو بود. در این میان می‌توان گفت که معاویه حيله‌گرترین حاکمی بود که توانست با تئورسین خود عمرو عاص، بدترین طرح‌های روانی را اجرا نماید. برخی از ترفندهای روانی دشمنانی چون معاویه عبارت بود از:

## ۲-۲-۱- ایجاد رعب و وحشت

دشمن برای به هم ریختن آرامش سپاه اسلام و از بین بردن نیروی آنان، با ترور، قتل و غارت، سعی در ایجاد رعب و وحشت در میان آن‌ها می‌کرد و در تلاش بود تا این ترورها را به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به انجام رسانده و با تهدیدهای پی‌درپی، مومنان را دچار یاس نماید به گونه‌ای که افراد، دیگر امیدی به ادامه حرکت نداشته و نسبت به نظام بدین گردند.

## ۲-۲-۲- ایجاد هرج و مرج و اغتشاش

معاویه از همان روزهای آغازین حکومت امام(ع)، برای براندازی و غصب آن، از هیچ تلاش نظامی روانی دریغ نورزید و افرادی چون «سُفیان بن عُوف غامدی»، «قیس فهری» و «بسر بن اُبی اُرطاة» را برای غارتگری، تهاجم و هرج و مرج به کار گرفت تا مردم را نسبت به حکومت امیر مومنان(ع)، مایوس کرده و از قدرت خود وحشت زده نماید؛ وی «بسر بن اُبی اُرطاة» را که مردی سخت دل و خونریز بود فراخواند و راهی یمن نمود و گفت: چون به مکانی رسیدی که مردمش در اطاعت علی بودند، نخست زبان برگشای و چنان تهدید کن که یقین کنند از دست تو رهایی ندارند؛ سپس به بیعت با من دعوت کن و هر کس سر برتافت بکش و شیعیان علی را هر جا که یافتی قلع و قمع نما» (تقفی، ۱۳۵۵: ۵۹۸).

## ۲-۲-۳- ترور

«ترور یا تهدید، تلاش در برانگیختن ترس و هراس در مخاطب، جهت تحت فشار قرار دادن وی برای اطاعت و تسلیم بوده و یکی از مؤثرترین شیوه‌های جنگ روانی است؛ اصطلاح ترور دربرگیرنده مراتب و درجات متعددی از ایجاد نگرانی، دلهره و ترس با قتل و کشتار فیزیکی و ترور شخصیت است» (متفکر، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

در زمان امیرالمومنین(ع)، یکی از بدترین دشمنان وی، گروه بی‌بصیرت خوارج بودند که از هیچ اقدام وحشیانه‌ای خودداری نکرده؛ بلکه این وحشی‌گری را دفاع از اسلام می‌خواندند؛ آن‌ها «مبارزات مثبت خود را در خارج کوفه آغاز کردند به صورت راهزنان خطرناکی، طرفداران علی(ع) را ترور می‌کردند و هیچ

کس از تیررس تکفیر و طغیان شمشیر و دشنه‌های آنان در امان نبود» (محدث نوری، ۱۳۶۱: ۱۴۵).

از جمله ترورهای آنان به شهادت رساندن «عبدالله بن خباب» بود که «بلافاصله در دادگاه صحرايي خوارج محکوم به اعدام شد و همانند گوسفند سرش را بریدند و سپس همسر باردارش را کشتند، شکم او را پاره کرده و فرزند بی-گناهش را بیرون آورده و ذبح کردند» (همان: ۱۴۸).

#### ۲-۲-۴- تخدیر

تخدیر، همان سست کردن و تضعیف روحیه است که در این روش، دشمن با ترویج فساد و فحشا در مسلمانان، سعی می‌کند انگیزه و شور آنان را برای مبارزه از بین ببرد؛ به گونه‌ای که آنان دیگر دغدغه‌ای برای مبارزه با دشمن در راه حفظ آرمان‌های خود نداشته باشند؛ در دوران خلافت امام علی (ع) نیز معاویه از جمله دشمنانی بود که با استفاده از تاکتیک رواج فساد و فحشا، برای کم رنگ کردن روحیه شهادت طلبی و آرمان‌خواهی مسلمانان و تزلزل باورهای آنان، در تلاش بود تا انواع مفساد و لذت‌های ظاهری این جهانی را در میان آن‌ها رواج دهد و با طرح‌ها و نقشه‌های شیطانی اش آنان را بفریبد.

امام علی (ع) در فراز پایانی خطبه ۱۰۸ رواج ظلم و دین‌گریزی در زمان تسلط امویان را بیان کرده و اشاره می‌دارد که در آن زمان، مردم به راحتی، قوانین و سنت‌های الهی را زیر پا نهاده و در عمل به بدی‌ها و سیئات، همدست و متفق القول می‌گردند:

«در آن هنگام که امویان بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار می‌شود و دعوت کنندگان به حق اندک و بی‌مشتی می‌گردند، مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند و در جدا شدن از دین، متحد می‌شوند، در دروغ‌پردازی با هم دوست یکدیگرند و فرزند با پدر دشمنی ورزد، پست‌فطرتان همه جا را پر می‌کنند، راستی از میانشان رخت برمی‌بندد، دروغ فراوان می‌شود، به گناه افتخار می‌کنند و اسلام را چون پوستینی واژگون می‌پوشند» (نهج البلاغه: ۱۴۲).

در جایی دیگر به حلال شدن محرّمات و شکسته شدن عهد و پیمان‌ها در حکومت بنی‌امیه اشاره نموده و می‌فرماید: «بنی‌امیه چنان ادامه دهند که هر حرامی را حلال کرده و هر پیمانی را بشکنند تا آن جایی که در دوران آنان دو گروه بگریند: گروهی برای دینشان و گروهی دیگر برای دنیاشان و یاری خواستن یکی از دیگری، هم‌چون یاری خواستن برده از ارباب خویش است که در حضور او سر تسلیم دارد و در غیابش بدگویی می‌کند» (نهج‌البلاغه: ۱۲۸).

#### ۲-۲-۵- شایعه و دروغ بزرگ

شایعه از واژه «شیع» به معنای پراکنده کردن و انتشار دادن دروغ بزرگ است که دهان به دهان می‌چرخد؛ در این تکنیک، دشمن سعی می‌کند واقعیتی را که برای مردم یک منطقه مهم است، به صورت تحریف شده رواج دهد و یا این‌که خبرهای ضد و نقیضی را در میان آن‌ها منتشر کرده و افراد ناآگاه را دچار شک و تردید نماید.

«می‌توان شایعه را به خنجر مسمومی تشبیه کرد که با استفاده از پست‌ترین صفات بشری مانند بزدلی و پستی، بر پشت بی‌گناهان فرود می‌آید و غالباً این سلاح موجودیت جامعه و اصول تمدن را مورد حمله قرار می‌دهد» (نصر، ۱۳۸۵: ۲۹).

در دوران علی(ع) چه شایعه‌ها و دروغ‌ها که علیه ایشان انتشار ندادند از جمله: عمروعاص گفت علی بسیار سبک و اهل شوخی و مزاح است: «شگفتا از عمروعاص پسر نابغه! میان مردم شام گفت که من اهل شوخی و خوش‌گذرانی بوده و عمر بیهوده می‌گذرانم!» (نهج‌البلاغه: ۱۰۰).

«معاویه پیراهن عثمان و انگشتان نائله را بر منبر آویخت و گفت: علی قاتل است» (طبری، ۱۳۸۸: ۳۸۱).

ناکثینی که تا دیروز خود از مخالفان عثمان بودند و شعارشان این بود که: «ای مردم این یهودی را بکشید» (همان: ۳۱۲) امروز به خون‌خواهی عثمان به پا خواسته و شعار «ای مردم قاتلین عثمان را لعنت نمایید» سر می‌دادند و برای انتقام خون وی به جنگ با این امام همام آمده بودند.

خوارج جاهل و ظاهر بین، شعار لا حکم الا لله را سر داده و خطاب به یاران علی(ع) می گفتند: «شما و مردم شام چون اسبان مسابقه، در راه کفر می روید» (همان: ۴۲).

بنابراین، می توان گفت: «اثر شایعه بسی فزون تر و فراگیرتر از تاثیرات حاصل از رسانه های رسمی است؛ زیرا شایعه اغلب در فضای رکودی رواج می یابد که عاملان عملیات روانی با بهره گیری از فنون و تاکتیک هایی هم چون تاکتیک تخریب، آن را پدید آورده اند» (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

#### ۲-۲-۶- تفرقه و اختلاف افکنی

سیاست «جدایی بیانداز و حکومت کن» سیاست دیرینه دشمنان بوده و تا امروز نیز ادامه دارد؛ چرا که وحدت و همدلی افراد یک جامعه یکی از مهم ترین فاکتورهای پیروزی است و در بسیاری از موارد، گروه های زیادی برخلاف فراوانی افرادشان، به دلیل اختلاف و دو دستگی، طعم تلخ شکست را چشیده اند؛ قرآن کریم نیز در سوره بقره به این موضوع اشاره می فرماید:

كَمْ مِنْ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ: چه بسیار گروه های اندکی که به اذن خدواند، بر گروه های فراوانی پیروزی یافتند» (بقره: ۲۴۹).

بنابراین، طبیعی است که «یکی از ابزارهای جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه ای پیدا کنند با این بهانه ایجاد اختلاف کنند بین مردم، مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید» (خامنه ای، ۱۳۸۸/۹/۴).

خطبه ۲۱۸ نهج البلاغه به موضوع اختلاف افکنی اصحاب جمل اشاره دارد: «ناکثین، بر کار گزاران و خزانه داران بیت المال مسلمانان که در فرمان من بودند و بر مردم شهری که تمامی آنها بر اطاعت من و وفاداری در بیعت با من وحدت داشتند، هجوم آوردند، آنان را از هم پراکنند و به زیان من، در میانشان اختلاف افکندند» (نهج البلاغه: ۳۱۶).

## ۲-۲-۷- جعل و تحریف حدیث

یکی از نقشه‌های معاویه، جعل، وضع و تحریف احادیثی بود که جهت مشوش کردن ذهن مردم و مسموم نمودن فضای جامعه انتشار می‌داد؛ وی به افرادی از جمله «عبدالله سلام»، «وَهَب بن مُنَبِّه» و «ابوهریره» ماموریت داد تا این نقشه پلیدش را عملی کنند به گونه‌ای که فضای جامعه پس از اقداماتی از این دست، روز به روز برای مردم شبهه‌ناک‌تر و غبارآلودتر می‌گشت؛ از جمله احادیثی که معاویه در میدان نبرد تحریف کرد، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) درباره عمار یاسر بود؛ از روزی که ایشان درباره وی فرمود: «ای عمار! گروهی ستمگر و طغیانگر تو را به قتل خواهند رساند» (ابن مزاحم، ۱۳۸۲: ۱۴۴) عمار، میزانی برای تشخیص سپاه حق و باطل در میدان نبرد بود؛ تا این که در جنگ صفین ایشان به شهادت رسید و در میان لشکریان معاویه آشوب و جنجالی به پا شد و آن‌ها برای ماندن در کنار معاویه دچار تردید شدند از این رو معاویه با شنیدن خبر تردید و جنجال سپاهش، دست به تحریف معنوی این حدیث شریف زد و گفت: «آری این حدیث درست است اما این ما نیستیم که عمار را کشتیم؛ بلکه علی او را به میدان جنگ کشاند و به کشتن داد پس سپاه علی همان، ستمگران هستند» (همان).

## ۲-۳- استراتژی امام علی (ع) در مقابله با جنگ نرم

دوران خلافت پیشوای نخستین شیعیان، علی (ع) یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام حتی تاریخ بشریت بود؛ چرا که در این برهه، دشمن نه تنها از طرفندهای غیر شرعی بلکه غیر اخلاقی و غیر انسانی استفاده می‌کرد تا سپاه حق را از پای درآورد و به اسلام ضربه بزند، اما آن امام همام با تکیه بر قدرت الهی و چاره اندیشی به هنگام، همواره در چارچوب دین و اخلاق گام نهاده و به دشمنان کینه‌توز، پاسخی دندان شکن می‌داد. در اینجا می‌توان اقدامات آن امام بزرگوار در جبهه جنگ نرم و موضوع عملیات روانی را به دو بخش عمده تقسیم نمود:

### ۲-۳-۱- اقدامات واکنشی یا ضد تبلیغ

این دست اقدامات، تلاشی است برای پاسخ گفتن به ترفندهای نرم دشمن. امام علیه السلام در مقابل حیل‌های دشمن، همیشه واکنشی درخور و به موقع داشت و در تلاش بود تا مانع عملی شدن نقشه‌ها و ترفندهای شوم دشمنان شود؛ از جمله واکنش‌های ایشان عبارت بود از:

### ۲-۳-۲- اطمینان بخشی

«تکنیک اطمینان بخشی به معنای فروکش نمودن ترس و وحشت در میان مخاطبان است، در واقع همان‌گونه که ترس در رفتار انسان اثر دارد، فروکش کردن آن نیز منجر به تغییر رفتار می‌شود» (جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). امام با استفاده از برجسته کردن سابقه پیروزی‌های خود و بیان شکست‌های دشمن، سعی می‌کرد فضای رعب و وحشتی را که دشمن ایجاد کرده بود، برطرف نماید و امید را در جان سپاهیان‌ش جایگزین یأس و ناامیدی سازد.

### ۲-۳-۳- بیان پیروزی‌ها و سابقه درخشان سپاه حق

یکی از پیروزی‌های شکوهمند علی(ع)، شکست ناکثینی بود که جاه‌طلبی‌های خود را در خون‌خواهی عثمان پنهان کرده و با جار و جنجال‌های کنزایی و ادعاهای پوشالی، مسلمانان را به میدان جنگ کشانده بودند؛ علی بن ابی طالب(ع) درباره آنان می‌فرماید: «اصحاب جمل چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سست گردیدند! ولی ما این‌گونه نیستیم، تا عمل نکنیم رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم» (نهج البلاغه: ۳۴).

معاویه در سرزمین صفین، در سال ۳۶ هجری قمری نامه‌ای تهدید آمیز به علی(ع) نوشته و به خیال خود به دنبال ایجاد ترس و هراس در آن امام همام بود؛ امام نیز پاسخی کوبنده و دندان شکن داد و شجاعت‌ها و دلاوری‌های خود در نبرد بدر و قتل و عام خاندان منافق سفیانی اشاره فرمود:

«ای معاویه! مرا به جنگ خوانده‌ای؛ اگر راست می‌گویی، مردم را بگذار و به جنگ من بیا؛ من ابوالحسن، کشنده جد، دایی و برادر تو در روز نبرد بدر می‌باشم که سر آنان را شکافتم؛ امروز همان شمشیر با من است» (نهج البلاغه: ۳۴۸).

### ۲-۳-۴- لزوم بیداری و پرهیز از غفلت

یکی از بیماری‌های خطرناکی که کیان هر ملتی را تهدید می‌کند، غفلت از دشمن است. زمانی که افراد یک جامعه به داشته‌های خود غرّه شود و از دشمن غافل بماند، دچار بدترین شکست‌ها خواهد شد؛ چرا که دشمنان همواره هوشیارند و تلاش می‌کنند تا به محض غفلت و خواب یک جامعه، به مرزهای نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنان هجوم برده و آنان را با شکست و ناکامی مواجه سازند. امیر مؤمنان علی(ع) در ضمن نامه‌ای که در سال ۳۸ هجری قمری خطاب به مردم مصر نوشت، پس از اشاره به مظلومیت، شجاعت و دشمن شناسی خود، بر اصل بیداری و عدم غفلت از دشمن تأکید ورزیده و فرمود: «همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است؛ هر آن کس که به خواب رود دشمن او نخواهد خوابید» (نهج البلاغه: ۴۲۸).

### ۲-۳-۵- لزوم دشمن شناسی

از مهم‌ترین اصول دستیابی به طعم شیرین پیروزی، و راه‌های اطمینان بخشی، شناخت دشمن است؛ هر حزب و گروهی باید قبل از وارد شدن به میدان درگیری و نبرد، دشمن و ترفندها، نقاط قوت و ضعف او را شناسایی کند و گرنه اقدام او برنامه‌ریزی نشده یا بر اساس برنامه‌ای غلط بوده و نتیجه آن نیز خودکشی خواهد بود. علی(ع) نیز در خطبه زیر یکی از راه‌های شناخت حق و پایداری در آن و پاسداری از قرآن را شناخت دشمن دانسته و می‌فرماید: «بدانید که هیچ گاه حق را نخواهید شناخت جز آن که ترک کننده آن را بشناسید؛ هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن که پیمان شکنان را بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رها کننده آن را شناسایی کنید» (نهج البلاغه: ۱۹۲).

### ۲-۳-۶- ایجاد روحیه امیدواری

اصل امید به آینده و داشته‌ها و توانایی‌ها، یکی از عوامل مهم در میزان موفقیت است به اندازه‌ای که می‌توان گفت: «شرط اصلی فعالیت درست در جبهه جنگ نرم، یکیش نگاه خوش بینانه و امیدوارانه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۴).

علی (ع) با درک این مهم، همواره روحیه سپاهیان خود را تقویت کرده و به آنان توصیه می‌کرد از فراز و نشیب‌های میدان نبرد بیم‌ناک نباشند، به تلاش و مجاهدت خود ادامه داده و نسبت به فراوانی سپاه دشمن، بی‌توجه باشند: «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت بده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است» (نهج البلاغه: ۳۶).

### ۲-۳-۷- تشجیع و تشویق

حماسه آفرینی و شهادت طلبی، جزء آرمان‌های ناب مکتب علوی است که ترویج آن راهی برای مقابله با تخدیر و تضعیف است؛ در نتیجه امیرالمومنین (ع) با ایراد خطبه‌های غرّاء در وصف مبارزه و جهاد، بهشت و جایگاه شهدا، سپاهیان خود را دعوت به مبارزه می‌نمود و روحیه شهادت طلبی را در آن‌ها زنده می‌فرمود؛ از جمله در سال ۳۷ (ه.ق) به یاران خود سفارش می‌کرد که اگر از شمشیر دنیا رهایی یابید، تاب گریز از سرای آخرت را ندارید: «کیست که شتابان و با نشاط با جهاد خویش به سوی خدا حرکت کند؛ چونان تشنه‌کامی که به سوی آب می‌دود؟ بهشت در سایه نیزه‌های دلاوران است. به خدا سوگند که من به دیدار شامیان در میدان نبرد شیفته‌ترم تا آنان به بازگشت به خانه‌شان که انتظار آن را می‌کشند» (نهج البلاغه: ۱۶۶).

و در جایی دیگر، با تعبیر آزادمردان و غیورمردان، غیرت خفته عده‌ای را بیدار و آن‌ها را دعوت به جهاد کرده و نعمت‌های بهشتی را یادآور می‌شود و می‌فرماید: «کجایند آزاد مردانی که به حمایت مردم خویش برخیزند؟ کجایند غیور مردانی که به هنگام نزول بلا و مشکلات مبارزه می‌کنند؟ هان مردم!! ننگ و عار پشت سر شما و بهشت در پیش روی شماست» (نهج البلاغه: ۲۳۰).

راه دیگر مقابله با تخدیر و ترویج فساد و فحشا، امر به معروف و نهی از منکر است؛ برای کنترل‌های اجتماعی و مقابله با نقشه‌های دشمن در ترویج فساد و فحشا، همیشه حضور پلیس و اجبار موثر نخواهد بود؛ از طرفی اگر روزی هر فردی در جامعه تنها به فکر خود باشد و نسبت به آنچه که در محیط پیرامونش اتفاق می‌افتد، بی‌توجه باشد، باعث از بین رفتن ارزش‌ها می‌گردد؛ بنابراین، افزون بر وجود قانون، مقررات و خودکنترلی‌های شخصی، نیاز به سیستم امر به معروف و نهی از منکر است تا خود مردم وارد میدان شده و برای نهادینه کردن ارزش‌های ناب اسلامی انسانی، یکدیگر را نصیحت و سفارش نمایند. مکتب‌دار تشیع علی(ع) با توجه به اهمیت این موضوع، فراموش شدن این سیستم را یک خطر قلمداد کرده و عامل لعن و غضب از سوی خداوند متعال می‌داند و می‌فرماید: «خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر. پس خداوند، بی‌خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک بازداشتن دیگران از گناه، لعنت کرد» (نهج‌البلاغه: ۲۸۲).

### ۲-۳-۸- روشنگری و افشای شخصیت‌ها

یکی از راه‌های مقابله با انتشار شایعات دشمن، روشنگری و افشای شخصیت حقیقی افراد است؛ با مراجعه به کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، می‌بینیم که علی(ع) در مناسبت‌های مختلف و در قالب نامه و خطبه، اکاذیب طرح شده توسط دشمن را رد کرده و برای رسوا کردن آن‌ها و متوجه ساختن نیروهای خودی، بارها شایعات آنان را پاسخ گفته و به افشای این جریان‌ها و افراد منافق و فاسد پرداخته است؛ از جمله درباره شایعه عمرو عاص مبنی بر شوخ‌طبعی آن امام همام، فرمود: «شگفتا از عمرو عاص! حرفی از روی باطل گفت؛ مردم! آگاه باشید او(عمرو عاص) سخن می‌گوید پس دروغ می‌بندد... بدانید به خدا سوگند که یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد، ولی عمرو عاص را فراموشی آخرت از سخن حق بازداشته است» (نهج‌البلاغه: ۱۰۰).

و در واکنش به شایعه معاویه فرمود: «معاویه! دست از این ادعاها بردار؛ کدام یک از ما دشمنی‌اش با عثمان بیشتر بود و راه را برای گُشندگانش فراهم آورد؟

آن کس که به او یاری رساند و از او خواست به جایش بنشیند و به کار مردم رسد یا آن که از او یاری خواست و دریغ کرد و به انتظار نشست تا مرگش فرا رسد؟» (نهج البلاغه: ۳۶۶).

علی(ع) از بازی زیر کانه دو طلحه و زبیر پرده برداشت و به مشارکت خود آنان در قتل عثمان اشاره داشته و فرمود: «سوگند به خدا! ناکثین، حقی را می طلبند که خود ترک کردند و انتقام خونی را می خواهند که خود ریختند؛ اگر شریک آنها بودم پس آنها نیز در این خونریزی سهم دارند و اگر تنها خودشان خون عثمان را ریختند پس کیفر مخصوص آنهاست» (نهج البلاغه: ۴۴).

یکی دیگر از دشمنان علی بن ابی طالب علیه السلام خوارج بی بصیرت بودند که شایعه خلاف دین عمل کردن آن امام بزرگوار را منتشر می کردند، هواداران ایشان را مورد اتهام قرار داده و از دم تیغ می گذراندند؛ از این رو علی(ع) در خلال خطبه ای شیوا، عقاید بی منطق آنان را پاسخ گفت و به گمراهی آنها اشاره فرمود: «اگر چنین می پندارید که من خطا کرده و گمراه شدم پس چرا همه امت محمد(ص) را به گمراهی من، گمراه می دانید و خطای مرا به حساب آنان می گذارید و آنان را برای خطای من کافر می شمارید... شما بدترین مردم و آلت دست شیطان و عامل گمراهی این و آن می باشید» (نهج البلاغه: ۱۶۸).

### ۲-۳-۹- دعوت به اتحاد و برابری

اتحاد و یکپارچگی داری چنان اهمیتی است که می تواند گروهی را هر چند با تعداد کم، به لذت پیروزی برساند؛ زیرا «با وجود اتحاد است که حیات اجتماعی معنا می یابد و هر فردی می تواند این امید را داشته باشد که به حقوق طبیعی اش می رسد؛ اصولاً یکی از ابعاد حاکمیت، وجود یکدلی و اتحاد در اندیشه ها و عواطف است» (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

در مکتبی که شعارش اتحاد و برادری و معیار برتری در آن، ایمان و تقوا است، دیگر رنگ و اصل و نسب جایگاهی ندارد؛ در چنین مکتبی سلمان فارسی و عمّار عربی برادرند و تنها تفاوت قنبر غلام با مالک فرماندار، در ایمان است. بنابراین اگر جامعه ای آراسته به نعمت ایمان و تقوا باشد جایی برای پراکندگی و

تفرقه نمی‌ماند. یکی از مشکلاتی که ما در عصر حاضر با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، هجوم امواج فتنه است و همه به دنبال نسخه و راهی برای رهایی از آسیب‌های آنیم؛ علی(ع)، این طیب همیشگی تاریخ، یکی از شیوه‌های درمان آن را اتحاد و برادری و پرهیز از تفرقه می‌داند؛ ایشان با شناختی که از معاویه و نقشه‌های شومش داشت، همواره یاران و پیروانش را دعوت به اتحاد و پرهیز از دو دستگی می‌نمود و شکست‌های ملت‌های گذشته در اثر تفرقه را یادآور شده و می‌فرمود: «راه‌های پرهیز از فتنه‌ها: ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی پرهیزید و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید» (نهج البلاغه: ۳۲).

با تکیه بر درس‌های قرآن و آخ‌القرآن، نهج البلاغه می‌توان گفت: که ایمان و اتحاد افراد، نسبت به تعداد آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که اگر ملتی، از گستردگی و فراوانی افراد برخوردار باشند اما اتحاد در میان آن‌ها جایگاهی نداشته باشد، طعم خوش پیروزی را در نمی‌یابند چنان که مولا علی(ع) می‌فرماید: «مادام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد» (نهج البلاغه: ۱۶۰).

#### ۲-۳-۱۰- دسته بندی انواع حدیث و راویان آن

پس از آن که دشمن از طریق ترویج احادیث ساختگی، در تیره کردن فضا و گمراه نمودن مردم جامعه اسلامی از هیچ تلاش و حقه‌ای دریغ نورزید، آن امام همام برای نجات مردم از سرگردانی و انحراف، احادیث اصلی و جعلی را مشخص نموده و هنگامی که شخصی درباره احادیث گوناگونی که در میان مردم رواج داشت، پرسید امام علی(ع) در پاسخ وی، انواع احادیث و راویان آن را دسته‌بندی کرده و فرمود: «احادیثی که در دسترس مردم قرار دارد، هم حق است هم باطل، هم راست است هم دروغ، هم ناسخ است هم منسوخ، هم عام است هم خاص، هم محکم هم مشابه» (نهج البلاغه: ۳۰۶).

### ۲-۳-۱۱- اقدامات کنشی یا تبلیغی

در جنگ نرم، ضروری است که علاوه بر عملیات ضد تبلیغی یا واکنشی - که به پاره‌ای از آن‌ها در موارد فوق اشاره شد - عملیات‌های کنشی یا تبلیغی نیز صورت پذیرد. از این رو امام علی (ع) افزون بر واکنش‌های روانی در برابر تبلیغات مسموم و اقدامات روانی و نرم دشمن، خود نیز قبل و حتی در حین مبارزه از روش‌های تبلیغاتی و روانی بهره می‌جست؛ آن حضرت از هر فرصتی برای اعتلای فرهنگی سپاه حق و ارشاد سپاه دشمن استفاده می‌فرمود؛ از جمله اقدامات تبلیغی و کنشی ایشان عبارت بودند از:

### ۲-۳-۱۲- استفاده از نمادهای رسول خدا (ص)

سپاهیان علی (ع) همان افرادی بودند که روزی در رکاب پیامبر خاتم (ص) در راه تنزیل قرآن به جهاد پرداخته و امروز نیز برای مبارزه با تاویل نادرست معاویه از قرآن، در زیر پرچم ایشان گرد آمده بودند؛ از این رو، آن امام بزرگوار در جنگ‌های خود از پرچم، عمامه و مرکب پیامبر (ص) استفاده می‌فرمود تا آنان دلاوری‌های خود را در زمان رسول خدا و فرمایش‌های ایشان در بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام، به خاطر آورند؛ برای نمونه در جنگ صفین هنگامی که حملات دشمن شدت یافته و سپاهیان علی (ع) از اطراف ایشان پراکنده شده بودند، ایشان «بر اسب پیامبر که «مرتجز» نام داشت، نشست و عمامه آن بزرگوار را بر سر گذاشت و به سوی دشمن هجوم برد و فرمود: ای مردم! هر کس جان خویش را به خدا بفروشد، سود برد. امروز را فردایی در پی باشد؛ همان طور که شما آسیب دیده‌اید، دشمنان نیز زخم خورده و صدمه دیده است» (ابن مزاحم، بی تا: ۱۷۶) و پس از به اهتزاز در آوردن پرچم رسول خدا (ص)، اصحاب به یاد دوران پر افتخار ایشان گفتند: «این پرچمی است که ما در رکاب پیامبر، در زیر آن گرد هم می‌آمدیم و جبرئیل یاریگرمان بود» (ابن عبدالبر، بی تا: ۱۲۹۲).

### ۲-۳-۱۳- تلقین و اعتماد به نفس

روشی است که امروزه علم روان‌شناسی نیز بر آن تاکید داشته و آن را یکی از عوامل اساسی برون رفت از فضای نامطلوب و رسیدن به فضای مطلوب می‌داند.

«امیر مومنان به فرزندش محمد فرمود: پرچم را بگیر و حرکت کن... به کمک خداوند به خود تلقین کن که بر آنان پیروز می شوی و کم اعتمادی به خود، تو را زبون نسازد که این بدترین خواری است» (شیخ مفید، ۱۳۷۴: ۳۵۵).

### ۲-۳-۱۴- خلق شعارهای حماسی و کوبنده

بر اساس آنچه در کتب تاریخی ذکر شده است، امام علیه السلام همواره در میدان نبرد برای حفظ روحیه رزم آورانش و ایجاد رعب و وحشت در میان سپاه دشمن و تضعیف روحیه آنان، از شعارهای حماسی کوبنده استفاده می نمود. «همواره شعار ایشان الله اکبر، لا اله الا الله بود و می فرمود: «پیامبر اکرم (ص) دستور دادند قبل از جنگ شعار دهید و شعارتان هم، نامی از نامهای خداوند باشد» (طبرسی، ۱۳۶۷: ۱۱۳).

در نبرد صفین هنگامی که سواره نظام علی (ع) به علت پیشروی در قلب لشکر شامیان محاصره شده بودند، امام (ع) به «عبدالله بن حارث جعفی» فرمود: «تو بر سپاه شام حمله کن و خود را به یاران ما برسان و به آنها بگو شما از آن سو تکبیر بگویید و ما از این سو، به گونه ای که یکی از جوانب حلقه محاصره دشمن از دو سو تحت فشار قرار گیرد تا درهم شکسته شود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۴۴: ۱۷۷) و سرانجام این تدبیر امام باعث پیروزی سپاه حق و کشته شدن ۷۰۰ تن از شامیان گشت.

در قائله جمل، هنگامی که عایشه برای اغفال و گمراهی لشکریان فریاد زد: «ای مردم! قاتلان عثمان را لعنت کنید» امام علی (ع) بلافاصله دستور داد سپاه نیز بگوید «لعنت خدا بر قاتلان عثمان» (ابن اثیر، ۱۳۵۸: ۲۴۵).

### ۲-۳-۱۵- نیایش قبل از جنگ

امروز علم روان شناسی بر آثار مثبت دعا و نیایش تاکید داشته و آن را ابزاری برای آرامش روحی روانی می داند. امام علی (ع) با شناخت آثار دعا و نیایش در روحیه رزمندگان، قبل از آغاز نبرد و حتی در میدان نبرد، به نیایش و دعا می پرداخت. خطبه ۱۷۱ نهج البلاغه به نیایش امام قبل از نبرد صفین اشاره دارد: «ای خدای آسمان برافراشته... اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز برکنار دار

و بر راه حق استوار فرما و چنانچه آن‌ها را بر ما پیروز گرداندی، شهادت نصیب ما فرموده و ما را از شرک و فساد و فتنه‌ها ایمنی بخش»<sup>۲۶</sup>.

نامه ۱۵ نهج البلاغه نیز حکایت از نیایش آن امام همام در وسط میدان مبارزه دارد.

### ۲-۳-۱۶- رجز خوانی زنان در حین نبرد

امام علی (ع) گاهی در هنگامه‌ی نبردهایی از جمله صفین، برای اتمام حجّت با سپاه دشمن و تضعیف روحیه آنان، نیروهایی را از میان زنان و مردان برای تبلیغات در برابر دشمن برمی‌گزید. در نبرد صفین «بسیاری از زنان بزرگ و مکتبی متعهد که بسیار ناشناخته‌اند در این جنگ شرکت داشتند و به عنوان لشکر تبلیغات امام، روحیه‌ی سپاه شام را متزلزل می‌کردند مانند: «سوده همدانی»، «دارمیه هجونی» و «ام‌الخیر». معاویه از این‌ها وحشت داشت؛ زنانی که در صفین رجز می‌خواندند، روحیه برای سپاه شام نمی‌گذاشتند و با بیانشان که همه تفسیر مکتب و تحلیل آن بود، قلب دشمن را فرو می‌ریختند و سپاه معاویه را در شک و تردید فرو می‌بردند. این بود که معاویه پس از امام علی (ع) یک یک این‌ها را محاکمه کرد» (آینه‌وند، بی تا: ۱۷۱).

### ۲-۳-۱۷- برگزاری مناظره و جلسات پرسش و پاسخ

با توجه به گستردگی محیط شبه جزیره و پراکندگی قبایل، امکان آشنایی چهره به چهره با تمامی افراد وجود نداشت از این رو بسیاری از مردم تحت تاثیر تبلیغات مسموم دشمن قرار گرفته و با شخصیت بزرگوار علی (ع) نا آشنا بودند؛ اما به محض آشنایی با بزرگواری و کرامت ایشان، مجذوب وی شده و به سپاه او ملحق می‌گشتند؛ یکی از راه‌هایی آشنایی آنان این بود که امام (ع) بارها، در موقعیت‌های مختلفی از جمله هنگام سخنرانی بر بالای منبر مسجد و در بحبوحه نبرد به مناظره با گروه‌های مخالف و پرسش و پاسخ با آنان می‌پرداخت و شبهات آنان را برطرف و افراد ناآگاه را جذب می‌نمود؛ به گونه‌ای که باید گفت یکی از امتیازات برجسته حکومت علوی، همین آزادی بیان می‌باشد. در این جا به ذکر دو مورد کفایت می‌کنیم:

### ۲-۳-۱۸- مناظره با نامه‌رسان معاویه و جذب وی

معمولا چه در عرصه نبرد و چه در شرایط به ظاهر صلح، پیک‌های مختلفی میان گروه حق و باطل رد و بدل می‌شد؛ از جمله در نهج البلاغه در جاهای مختلف می‌بینیم که امام علیه‌السلام بارها نامه‌هایی به سوی عایشه، گروه ناکثین، خوارج و معاویه می‌فرستاد و آنان را دعوت به حق و حق‌مداری می‌نمود و سپاه باطل هم گاهی در پاسخ امام و گاهی هم برای رساندن پیغامی به ایشان، نامه می‌فرستادند؛ از این رو این شرایط، فرصتی برای آگاهی بخشی، جذب و ارشاد پیک‌ها و برخی نیروهای دشمن بود.

یکی از این مناظرات، گفت‌وگوی امام همام با پیک معاویه بود؛ «معاویه برای تهدید علی(ع) و یارانش نامه سفیدی را به مردی خشن، بدزبان، بی باک و شرور داد و او را به کوفه فرستاد تا در حضور اصحاب، به فحاشی، توهین و تحقیر حضرت امیرالمومنین(ع) پردازد و به ایشان تهمت قتل عثمان بزند و آنان را از قدرت شامیان بترساند؛ حضرت امیرالمومنین، مانع تعرض یاران شده و با او به مهربانی برخورد کرد، تهمت‌های شامیان را از زبان او شنید، مستدل و گویا پاسخ گفت، آزادی بیان او را تامین کرد، سرانجام مرد عبسی در برابر اخلاق امام علی(ع) شرمند شد و گفت: یا امیرالمومنین امروز که تو را دیدم و اخلاق تو را مشاهده کردم اکنون هیچ آفریده‌ای را مثل شما دوست نمی‌دارم؛ من در جمع یاران تو می‌مانم و هرگز به شام بر نمی‌گردم تا روزی که در رکاب تو شربت شهادت نوشم. وقتی این خبر به معاویه رسید اندوه عظیمی او را فراگرفت؛ زیرا مرد عبسی اسرار نظامی معاویه را می‌دانست» (کوفی، بی تا: ۴۹۶).

### ۲-۳-۱۹- مناظره با ابوردی بن عوف

امام علیه‌السلام پس از جنگ جمل، بر منبر مسجد کوفه رفته و ضمن افشای شخصیت‌ها و اندیشه‌های شیطانی، به افراد اجازه داد تا با آزادی تمام دیدگاه‌ها و نظرات خود را بیان کنند؛ یکی از این افراد «ابوردی بن عوف ازادی» از دوستان خلیفه سوم بود که در پای منبر حضرت امیر علیه‌السلام بلند شد و اشکالات و

شایعات را مطرح و پاسخ خود را شنید و سرانجام گفت: «ای امیر المومنین تاکنون دچار شک و تردید بودم اما اکنون هدایت گردیدم» (سپهر، ۱۳۵۴: ۲۱۳).

#### ۲-۳-۲۰- نفوذ دادن نیروهای اطلاعاتی در سپاه دشمن

همواره یکی از شگردهای موفق جهت شناسایی نقشه‌ها و طرح‌های دشمن و به دنبال آن پیش‌بینی رفتارها و عملکردهایش، استفاده از نیروهای نفوذی در بدنه نظام و ساختار دشمن بوده است. با نگاهی به نهج البلاغه و توجه به لفظ عین (مامور اطلاعاتی) در می‌یابیم آن امام همام به این تاکتیک عنایت ویژه داشته است؛ از جمله هنگامی که عوامل سیاسی و اغفالگر معاویه، قصد تبلیغات مسموم در مراسم حج را داشتند، امام از طریق نیروی اطلاعاتی خود در بدنه دستگاه معاویه، از این نقشه شوم باخبر شده و به فرماندار مکه، «قثم بن عباس» نوشت: «مامور اطلاعاتی من در مغرب (شام) به من نوشته و خبر داده است که گروهی از مردم شام در مراسم حج می‌خواهند شرکت کنند، گروهی کوردل، ناشنوا و کور دیده که حق را با باطل درهم می‌آمیزند» (نهج البلاغه: ۳۸۴).

#### ۲-۳-۲۱- تربیت و استفاده از افسران جنگ نرم

طبیعی است که رهبر یک امت و کشور نمی‌تواند به تنهایی در همه شهرها و مناطق بگردد و فضای مسموم و پر از شبهه و شایعه را روشن نماید و یا با تک‌تک افراد به بحث و گفتگو پردازد؛ از این رو، نیاز است افرادی جان برکف، بصیر، با ایمان و به تعبیر مقام معظم رهبری افسر جنگ نرم، مسئولیت ارشاد مردم را بر دوش کشند. از جمله این افراد، عمّار یاسر، طلایه‌دار مبارزه با فتنه‌ها، بود؛ وی از شاگردانی بود که همواره و در مناسبت‌های مختلف با تک‌تک سران و با عموم مردم به مناظره می‌نشست، خطبه می‌خواند و شبهات را کنار می‌زد تا حقیقت ناب الهی را روشن سازد؛ از جمله اقدامات وی، نامه‌نگاری عایشه و پاسخ دادن به شبهاتش، مناظره با «مغیره»، «عبدالله بن عمر»، پسر «ابی وقاص»، «محمد پسر مسلمة انصاری» بود. «عمّار یاسر کسی بود که به حسب ظاهر حرکتش از همه خفیف‌تر بود؛ ولی نشاط و فعالیتش از همه بیشتر؛ او در عین حال، آن‌چنان کسی بود که در

هر صفتی بیشتر از دیگران در پیشرفت امر حق می‌کوشید و مراقب تمام جریانات روز بود. در ضمن چهار ماهی که از بیعت علی در مدینه گذشته بود، یعنی قبل از عزیمت علی برای رویارویی با ناکثین (عهد شکنان) به طرف بصره، کار عمّار این بود که یکی را دعوت کند و یکی را در بقای بر عهدش تقویت نماید و یکی را سر جایش بنشانند» (شرف الدین، بی تا: ۲۹۷).

### ۳- نتیجه‌گیری

دشمن در هر عصری وجود دارد و آنچه تفاوت می‌نماید، نوع نبرد و استراتژی مقابله با آن است؛ چرا که در جنگ، همیشه سلاح و طرح‌های نظامی صرف، کارگر نیست؛ چه بسا که دشمن به دنبال براندازی نرم یا همان جنگ نرم بوده و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی نقش مؤثرتری را ایفا نماید و بدون درگیری و نبرد نظامی، افراد را در جهت اهداف مورد نظر خود سوق دهد؛ چه این که این نوع نبرد از آغاز تمدن بشر، امری معمول و رایج بوده است. از این رو اصل دشمن شناسی و شناخت مکانیزم‌های جبهه دشمن، از موضوعات مهم و غیر قابل اغماض است؛ برای نمونه می‌توان گفت: در زمان امام علی (ع)، عملیات روانی و تبلیغات مسموم از مهم‌ترین عوامل پیشبرد جنگ، چه در سپاه حق و چه در لشکر باطل، بود. دشمنان اسلام و امامت با ترفندهایی چون شایعه، تفرقه و غیره به دنبال به دست گیری امور بودند و سپاهیان حق با روشن‌گری، افشاگری، برقراری مناظرات و... سعی در خنثی کردن نقشه‌های دشمنان داشتند؛ از این رو، باید گفت: تدبیرهای بجا و استراتژی عالی امام در برخورد با این تبلیغات و به کارگیری شیوه‌های روانی مناسب، باعث پیروزی ایشان در دو نبرد سخت جمل و نهروان شد و حتی در نبرد صفین هم اگرچه امام علیه‌السلام به علت نافرمانی و عدم همراهی یارانش به نتیجه مطلوب الهی خود نرسید، اما در آنجا هم خسارت شامیان نسبت به سپاه امام علیه‌السلام دو چندان بود.

## فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه. (۱۳۸۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات قیام.
۳. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸/۹/۴)، دیدار با جمع کثیری از بسیجیان کشور، حسینیه امام خمینی رحمه الله علیه، تهران.
۴. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی، حسینیه امام خمینی (ره)، تهران.
۵. ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۳۴۴)، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد ۳، جزء ۵، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، چاپ دوم.
۶. ابن اثیر. (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، جلد سوم، بیروت: دار صادر.
۷. ابن عبد البر، یوسف. (بی تا)، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، جلد ۳، بیروت: دارالجلیل.
۸. ابن مزاحم، نصر. (بی تا)، وقعة الصفین، قاهره: المؤسسة العربیة الحدیثة.
۹. آیینہ وند، صادق. (بی تا)، سیاست اسلامی، مرکز فرهنگی علامه طباطبائی.
۱۰. ثقفی، ابن هلال. (۱۳۵۵)، الغارات، به تحقیق السید جلال الدین المحدث، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ دوم.
۱۱. جنیدی، رضا. (۱۳۸۹)، تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۱۲. رضائی، بهرام. (۱۳۸۷)، عملیات روانی، تهران: دافوس.
۱۳. رنجبران، داوود. (۱۳۸۸)، جنگ نرم، تهران: ساحل اندیشه، چاپ هفتم.
۱۴. سپهر، میرزا محمد تقی لسان الملک. (۱۳۵۴)، ناسخ التواریخ، جلد ۳، جزء ۱، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۱۵. شرف الدین، صدر الدین. (بی تا)، عمّار یاسر، ترجمه سید غلام رضا سعیدی، تهران: آیین جعفری، چاپ هشتم.
۱۶. شیخ مفید. (۱۳۷۴)، الجمّل، به تحقیق سید علی میر شفیعی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم.
۱۷. طبرسی، میرزا حسین النور. (۱۳۶۷)، مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۸. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۸)، تاریخ طبری، جلد ۴ و ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. کوفی، ابن اعثم. (بی تا)، الفتوح، جلد ۲، بیروت: دارالأضواء.
۲۰. متفکر، حسین. (۱۳۸۷)، جنگ روانی، قم: زمزم هدایت، چاپ چهارم.

۲۱. محدث نوری، حسین. (۱۳۶۱)، **خطرناک ترین دشمن انقلاب**، قم: اسلامی، چاپ دوم.
۲۲. محمدی، حیدر. (۱۳۸۰)، **قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)**، قم: معارف.
۲۳. مرادی، حجت‌الله. (۱۳۸۹)، **عملیات روانی و رسانه**، تهران: نشرساقی، چاپ دوم.
۲۴. نصر، صلاح. (۱۳۸۵)، **جنگ روانی**، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: سروش، چاپ سوم.